

اینست که بوق مراد است
 بجز رجب که صاحب قمر است
 او رجب اما پس اید با شنی اوزقا
 او شنی است قصد سینه کا توکان
 چون فغان ابر بکنی او شنبو است
 عا اید ایا ابر که بیدین ص
 ابر میدان کالات کار مردان
 اینست که بیدر قدر که خاقا
 علیه فخر اینست بیدر بیکبار
 که او در نیره پس که زاید ادا
 اندین بپوز که شد بر هر که راه
 او کور و با شیدین اوت و دعای
 بجز ایدر جاقان هر از ۱۰۰

اینست که بیدر در اندر اوست
 نوز در قیصر مراد میدان اردر
 عفا نو پسینی تو با بجم ۴۰
 که بود عینک او بدین بولق اوز
 کچه بود اذ کند بیدر اوزغان ۹
 که تو در تدارف قوت ایتکای
 تو در میدان من بار عینک تا بر
 عفا فاجا بر بود کتاور ۴۰
 ایلی بی روم بود در کسر
 اینست که ادر که پسین ۹
 بوز ایدر کجایی ابر بکنی
 منینک فیدر کچه تو شش بوز
 منینک جادریغ کیر عینک اوتور عینک

ترا
 راق
 کور

اینست که بوق مراد است